



Sociological Analysis of the Role of Cultural and Social Capital on Family Interactions

(With an Approach to Spousal Violence)

Sare Ghafari

PhD student in Sociology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Talie Khademian

Faculty Member, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Habib sabouri khosrushahi

Faculty Member, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

Given the importance of theoretically explaining the perspectives of experts in various fields of social sciences regarding cultural and social capital, this study was conducted with the aim of providing a sociological analysis of the role of cultural and social capital in family interactions (with an emphasis on spousal violence). This research employed a qualitative approach, and the required data were collected through focused interviews with 30 experts until theoretical saturation was reached. Library sources were also used as complementary material. Data were analyzed through coding and categorization of the collected information. The final findings indicate that the level of social and cultural capital among men in the country is moderate, which stems from broader societal conditions. Ultimately, the study concludes that cultural and social capital significantly influence family interactions in Tehran. This influence is direct: as levels of cultural and social capital increase, family members' interactions improve and spousal violence decreases. Therefore, policymakers and stakeholders should give serious attention to enhancing social and cultural capital in order to strengthen positive family interactions.

Keywords: Sociological Analysis, Social Capital, Cultural Capital, Family Members' Interactions, Spousal Violence





سال چهارم، شماره چهارم (پیاپی ۱۵)، زمستان ۱۴۰۴، صص. ۳۱-۵۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶

مقاله پژوهشی

تحلیل جامعه‌شناختی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر تعاملات خانواده (با رویکرد به خشونت همسران)

ساره غفاری

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

طلیعه خادمیان

عضو هیئت علمی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

حبیب صبوری خسروشاهی

عضو هیئت علمی واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

با توجه به اهمیت تبیین نظری نظریه‌های صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی در خصوص سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، این پژوهش با هدف تحلیل جامعه‌شناختی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر تعاملات خانواده (با رویکرد به خشونت همسران) انجام پذیرفته است. این تحقیق از نوع کیفی بوده و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مصاحبه متمرکز با تعداد ۳۰ نفر از صاحب‌نظران تا اشباع نظری گردآوری گردیده است و از منابع کتابخانه‌ای به‌عنوان روش مکمل بهره‌گیری شده است. با کدگذاری و مقوله‌بندی داده‌ها نسبت به انجام تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده اقدام شده است. در نتیجه نهایی پژوهش مشخص گردد که میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی در بین مردان در کشور در حد متوسطی بوده که منبعث از شرایط کلی جامعه در این زمینه است. در نهایت می‌توان براساس یافته‌های پژوهش گفت سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر تعاملات اعضای خانواده در شهر تهران تأثیرگذار است که این تأثیر به شکل مستقیمی بوده و با افزایش میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی میزان تعاملات اعضای خانواده افزایش می‌یابد و میزان خشونت همسران کاهش می‌یابد که برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران در کشور به منظور افزایش میزان تعاملات مثبت خانواده باید توجه ویژه‌ای به افزایش میزان سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل جامعه‌شناختی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، تعاملات اعضای خانواده، خشونت همسران

شابا الکترونیک: ۳۰۴۱-۹۹۷۲ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی



<https://Theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.



مقدمه

خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی از مهم‌ترین نهادها در زندگی امروزی است که یکی از مهم‌ترین مسائل آن نحوه تعامل اعضای خانواده است. تحقیقات انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر تعاملات اعضای خانواده در چرخه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی تمرکز یافته در میان خانواده‌ها جریان دارد. از دیدگاه صاحب‌نظران فقدان آگاهی و ضعف فرهنگی جامعه از عوامل اصلی زمینه‌ساز کاهش تعاملات اعضای خانواده در جامعه ایرانی به‌شمار می‌رود و صاحب‌نظران همچنین معتقد هستند که بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما به ویژه خانواده‌ها ناشی از مرحله گذار جامعه از ساختار سنتی به ساختار مدرن است و سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی نقشی پررنگ در این تعاملات اعضای خانواده می‌توانند داشته باشند و بنابراین یکی از عواملی که می‌تواند در تعاملات اعضای خانواده مؤثر باشد سرمایه فرهنگی وجود سرمایه فرهنگی در خانواده‌ها و جامعه است.

از دیدگاه بوردیو، سرمایه آن چیزی است که به‌عنوان یک رابطه اجتماعی در درون یک سازواره از تعاملات عمل می‌کند. دامنه آن نیز بدون هیچ تمایزی به تمامی کالاها، اشیا و نشانه‌هایی که خود را به‌عنوان چیزهای کمیاب و ارزشمند، عرضه می‌دارند کشیده می‌شود. سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک رابطه اجتماعی درون سازواره‌ای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته عمل می‌کند، منتهی به قدرت و منزلت می‌گردد (بوردیو، ۲۰۰۲: ۱۱). بوردیو سه نوع سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادی را از همدیگر متمایز می‌کند.

همچنین از دیگر عوامل مؤثر در این حوزه سرمایه اجتماعی می‌تواند باشد. از نظر جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما اینکه جامعه از آن نفع می‌برد یا خیر کاملاً وابسته به کاربرد آن در یک موقعیت خاص است (کلمن، ۲۰۰۱: ۶۸).

براساس گفته رابرت پوتنام، سرمایه اجتماعی «به ارزش جمعی همه شبکه‌های اجتماعی و تمایلات ناشی از این شبکه‌ها برای کمک به یکدیگر اشاره دارد» (پوتنام، ۲۰۰۷: ۳۶). از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی می‌توان به مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی،



روابط متقابل اجتماعی و انسجام اجتماعی اشاره نمود. با احصای دقیق و علمی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر تعاملات اعضای خانواده می‌توان نتایج را در اختیار برنامه‌ریزان و مسئولین در نهادهای مختلف در کشور قرار داد و برنامه‌ریزی دقیق و مدونی را برای افزایش تعاملات اعضای خانواده در خانواده‌ها انجام داد.

بنابراین مسئله اصلی تحقیق این چنین مطرح است که تحلیل جامعه‌شناختی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر تعاملات خانواده (با رویکرد به خشونت همسران) چگونه است؟

۱. مبانی نظری

۱-۱. مفهوم سرمایه فرهنگی^۱ و انواع آن

برای شروع بحث سرمایه فرهنگی ابتدا لازم است تعریفی از فرهنگ ارائه شود. فرهنگ یکی از مفاهیم مهم و اساسی در علوم انسانی است. تا به حال تعریف زیادی از فرهنگ ارائه شده است. «کروپر»^۲ انسان‌شناس آمریکایی در کتاب فرهنگ، مروری بر مفاهیم و تعریف‌ها، تعاریف زیادی از این مفهوم ارائه کرده است (پناهی، ۱۳۷۵: ۹۵).

فرهنگ، نظامی نسبتاً منسجم متشکل از اجزایی غیر مادی شامل ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و باورها و اعتقادات، آداب و رسوم، دانش، اطلاعات رایج، هنرها و اجزای مادی شامل کالاهای مصرفی، ابزار تکنولوژی، میراث فرهنگی نسبتاً مشترک بین اعضای یک گروه، اجتماع یا جامعه است که از طریق یادگیری از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است و ماهیت نمادین دارد (پناهی، ۱۳۷۵: ۹۶).

در این تعریف، ابزارهای مادی و کالاهای مصرفی جزء فرهنگ تلقی شده است و شباهت زیادی به تعریف تیلور دارد. بعضی‌ها تعریف محدودتری از فرهنگ ارائه می‌کنند «فرهنگ مجموعه آگاهی‌ها، عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای مشترک در یک گروه و جامعه است که باعث تولید معنا می‌شود» (طالبی، ۱۳۸۲). این تعریف بیشتر بر بُعد غیرمادی و معنایی فرهنگ تأکید می‌شود. با توجه به توضیحات ارائه شده فرهنگ را می‌توان «مجموعه باورها،

1. Cultural Capital
2. Cropper

آگاهی‌ها، هنجارها، نمادها، ارزش‌ها و شیوه‌های بهره‌گیری از کالاهای فرهنگی تلقی کرد که در میان گروهی از افراد جامعه مشترک بوده و در زندگی روزمره نقش اساسی دارد و در طول زمان دارای تغییرات تدریجی است» و مفهوم سرمایه، یکی از مهم‌ترین عناصر در اقتصاد و مدیریت است که در تمامی حوزه‌های زندگی انسانی تأثیرگذاری دارد. سرمایه برآمده از زبان انگلیسی است و به معنای دارایی‌هایی است که قابلیت تولید و ایجاد ارزش اقتصادی را دارند. این دارایی‌ها می‌توانند مالی، فیزیکی، انسانی و فرهنگی باشند. سرمایه به‌عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و ارتقای سطح زندگی جامعه، بسیار مهم است.

سرمایه در نظر بورديو به هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی اطلاق می‌شود که فرد می‌تواند در جامعه به صورت انتسابی یا اکتسابی به آن دست یابد و از آن در روابطش با سایر افراد و گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود بهره‌برد. بورديو، خود در کتاب اشکال سرمایه می‌نویسد: «سرمایه، کار انباشته شده است (در شکل مادی و در شکل معنوی). از این منظر، تفاوتی ندارد که حرف از پول باشد یا در مورد اشکال رفتار. سرمایه به دست کنشگران حاصل می‌شود و می‌تواند به طور انحصاری انباشته شود، هرچند به دست آوردن این سرمایه زمان‌بر است، اما وقتی که به دست آید می‌توان آن را در موقعیت جدیدی سرمایه‌گذاری کرد.» بنابراین اهمیت فرد به‌عنوان بازیگر راهبردی در جهان اجتماعی آشکار می‌شود، که بر طبق درک خود از ارزش، سوددهی و ... ایفای نقش می‌کند. همچنین سرمایه نیرویی است که در ساختارهای عینی نیز بازتابیده شده است، مجموعه‌ای از شرایط جاسازی شده در واقعیت جهان اجتماعی را ایجاد می‌کند و فرصت‌های موفقیت‌های پایداری را برای عملکردهایی ویژه در آن جهان، تعیین می‌کند. در نهایت، سرمایه آن چیزی است که بازی اجتماعی را به چیزی متفاوت با بازی کاملاً شانسی تبدیل می‌کند. فقط بر روی میز قمار با یک دنیای مجازی برخورد می‌کنیم که در آن هرکس می‌تواند با شانس کاملاً برابر، یک شبه پایگاه اجتماعی اقتصادی جدیدی بیابد، البته مکانیسم اکتساب تدریجی، سرمایه‌گذاری سودآور و انتقال ارث را چندان به تأخیر نمی‌اندازد. درعین حال سرمایه برای آنکه سودآور شود نیاز به زمان دارد (بورديو، ۱۳۸۹: ۱۴۳).



همچنین مفهوم سرمایه فرهنگی که تأثیرات متقابل فرهنگ و نظام طبقات اقتصادی را بررسی می‌کند، از جامعه‌شناسان فرانسوی پیر بوردیو و «ژان کلود پسون»^۱، سرچشمه گرفته است. اگرچه مفهوم سرمایه فرهنگی در درون متن فرهنگ فرانسه تصور شده است، اما عمده نوشته‌های بوردیو، به انگلیسی ترجمه شده است که به استفاده وسیع از این مفهوم در تحقیقات آموزشی و جامعه‌شناختی در ایالات متحده و جاهای دیگر منجر شده است. بوردیو در «بازتولید فرهنگی و بازتولید اجتماعی»، در پی فهمیدن این است که چرا کودکانی که از طبقات اجتماعی متفاوت آمده‌اند، در دهه ۱۹۶۰، موفقیت‌های تحصیلی متفاوتی را کسب کردند وی بررسی کرد که چگونه کودکان طبقات بالاتر، در محیط مدرسه از فعال‌سازی و توزیع دانش فرهنگی که والدین آن‌ها مستقیماً به آن‌ها انتقال داده‌اند، بهره می‌برند. بوردیو در نوشته بعدی خود در سال ۱۹۸۳، «شکل‌های سرمایه»، سه نوع سرمایه مرتبط به هم که به‌طور جدایی‌ناپذیری با یکدیگر پیوند دارند را مورد بحث قرار داد، اعم از سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی. به‌طور مشابه، سرمایه فرهنگی، شامل سه شکل می‌شود: حالت تجسم‌یافته، حالت عینی‌شده و حالت نهادینه‌شده (رفیعی، ۱۴۰۱: ۲۵۴).

در خصوص تعریف سرمایه فرهنگی می‌توان گفت سرمایه فرهنگی یک مفهوم جامعه‌شناسی است و به تمرکز و انباشت انواع مختلف کالاهای ملموس فرهنگی و نیز قدرت و توانایی در اختیار گرفتن این کالاها و همچنین استعداد و ظرفیت فرد در شناخت و کاربرد این وسایل گفته می‌شود.

همچنین سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است، یعنی شامل گرایش‌ها و عاداتی است که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و شامل کالاهای فرهنگی، مهارت‌ها و انواع دانش مشروعه است. سرمایه فرهنگی همان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است که تحصیلات یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های آن است.

براساس مطالعات نظری صورت گرفته، ابعاد گوناگون دیگری مانند معلومات درونی شده، سرمایه عینیت یافته و میراث فرهنگی به شکل اموال از دیگر شاخص‌های آن است که متناسب با آن‌ها، گویه‌های مربوطه طراحی گردید (شویده و فونتن^۱، ۱۳۸۵). در نهایت می‌توان گفت سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به‌دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. به‌عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی به‌طور دائمی در قلمرو امکانات یک قشر، گروه، طایفه یا قبیله است (خیرخواه، ۱۴۰۰: ۳).

۱-۲. مفهوم سرمایه اجتماعی

در دو دهه گذشته سرمایه اجتماعی از شکل‌ها و زمینه‌های مختلف به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین مفاهیم از علوم اجتماعی پدیدار گشته است ولی ریشه استفاده از این اصطلاح به سال ۱۹۱۶ و به کاربرد اولیه آن توسط یک معلم جوان به نام «هنیفن»^۲ بازمی‌گردد. او در بحث از مراکز اجتماعات روستایی به اهمیت احیای مشارکت اجتماعی برای تداوم دموکراسی و توسعه تأکید کرد و مفهوم سرمایه اجتماعی را وضع کرد. هنیفن هر دو وجه منافع خصوصی و عمومی سرمایه اجتماعی را برجسته کرد؛ اما به رغم این نوآوری مفهومی مورد توجه را برانگیخت و بدون هیچ اثری ناپدید شد. پس از آن مفهوم سرمایه اجتماعی چندین بار به طور مستقل بازآفرینی شد. در دهه ۱۹۵۰ توسط «جیکینز»^۳ که برنامه‌ریز شهری بود برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهایی غیر رسمی، همایشی در کلان شهرهای جدید و در دهه ۱۹۷۰ توسط لوری اقتصاددان، برای تحلیل میراث اجتماعی برده‌داری به کار گرفته شده است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۵).

قبل از سال ۱۹۸۱ تعداد مقالات و مجلات علمی که در فهرست کلمات کلیدی آن‌ها سرمایه اجتماعی وجود داشت فقط حدود ۲۰ مقاله بود. بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۵، این

1. Shvedeh and Fonten
2. Henifan
3. Jekaenz



تعداد به ۱۰۹ مقاله رسید و بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۹ این تعداد به ۱۰۰۳ مقاله افزایش یافت (باوم، ۲۰۰۰:۲۲)؛ اما مفهوم سرمایه اجتماعی تنها در دهه ۱۹۸۰ بود که به شدت مورد توجه قرار گرفت و توانست با گسترش نظری و تجربی، جایگاه تعریف شده‌ای در میان نظریه‌های جامعه‌شناسی به خود اختصاص دهد. این امر عملاً مرهون کلمن جامعه‌شناس آمریکایی و تحقیق او در زمینه مشارکت در امور مدرسه در شهر شیکاگو است. پس از آن بوردیو در فرانسه ابعاد دیگری از این مفهوم را روشن کرد. مطالعه پوتنام در زمینه رابطه بین سرمایه اجتماعی و نهادهای دموکراتیک در ایتالیا خصوصاً از عوامل مؤثر در گسترش این مفهوم است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴:۷).

سرمایه اجتماعی مفهومی است که پیشینه طولانی زیادی ندارد. کاربرد این مفهوم به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در ترها و مقالات دانشگاهی به ویژه رشته جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش با کارهای افرادی چون کلمن، پیر بوردیو، رابرت پوتنام و «فرانسیس فوکویاما»^۱ افزایش یافته است. همچنین استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به‌عنوان راه حلی اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی و سازمان‌ها برای مشکلات توسعه مورد توجه سیاست‌گذاران و مسئولان کشوری قرار گرفته است. براساس گفته رابرت پوتنام، سرمایه اجتماعی «به ارزش جمعی همه شبکه‌های اجتماعی و تمایلات ناشی از این شبکه‌ها برای کمک به یکدیگر اشاره دارد». براساس نظر او و پیروانش، سرمایه اجتماعی عنصری کلیدی در بنا و برقراری دموکراسی است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳: ۵۹).

جیمز گلن، برخلاف بوردیو، برای تعریف سرمایه اجتماعی، از نقش و کاربرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی (و نه صرفاً ذهنی و نظری) از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از: ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به‌عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند. بنابراین، گلن برخلاف بوردیو - که «سرمایه اقتصادی» را به‌عنوان هدف نهایی در نظر گرفته بود -

«سرمایه انسانی» را مهم‌تر دانسته و سرمایه اجتماعی را به‌عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار برد. پوتنام نیز یکی دیگر از محققین اخیر سرمایه اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود. او کاکس نیز در تعریف سرمایه اجتماعی گفت که این مفهوم به: «فرایندهای بین فردی، که اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط را می‌سازند و همکاری و هماهنگی متقابل را تسهیل می‌کنند» مربوط می‌شود که در نتیجه آن، منافع متقابل، افزایش می‌یابد. از نظر وی سرمایه اجتماعی قابل اندازه‌گیری است و منزلت اجتماعی سایر سرمایه‌ها را نیز در بردارد و در نهایت، فوکویاما، سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی محسوب می‌کند که همکاری بین دو یا چند نفر را تقویت می‌بخشد و آن را ویژگی عمل متقابل بین دو دوست می‌داند. او معتقد است که اعتماد، شبکه‌های ارتباطی و جامعه مدنی، همگی محصول سرمایه اجتماعی هستند، نه اینکه خود آن‌ها سرمایه اجتماعی به حساب آیند. از نظر او هنجارهایی سرمایه اجتماعی هستند که به همکاری در گروه‌ها منجر شوند (مهرابی، ۱۳۴۰: ۲۸).

۱-۳. سرمایه فرهنگی از دیدگاه بوردیو

مفهوم «سرمایه فرهنگی» توسط پیر بوردیو جامعه‌شناس فرانسوی معرفی شد و سپس در تحقیقات اجتماعی مختلف برای تبیین پدیده‌ها و به‌خصوص نابرابری‌های آموزشی و روابط سلطه در میدان آموزش به کار گرفته شده است. برای درک بهتر این مفهوم بحث را از شواهد عینی آغاز می‌کنیم. بوردیو نخستین بار در سال ۱۹۶۴ در کتاب «وارثان، دانشجویان و فرهنگ» که با همکاری «ژان کلود پاسرون» به نگارش در آورد به این موضوع اشاره می‌کند و می‌نگارد، «آینده تحصیلی برای فرزند شخصی از رده‌های بالای شغلی که شانس بیشتری از پنجاه درصد برای ورود به دانشگاه دارد و بین اطرافیان خود و حتی اعضای خانواده



تحصیلات عالی را امری رایج و روزمره می‌بیند و فرزند یک کارگر، که شانس کم‌تر از دو درصد برای راه یافتن به دانشگاه دارد و به واسطه اشخاص یا محیط‌های دیگر به طور غیرمستقیم با دانش و دانشجو آشنا می‌شود، متفاوت است؛ چنانچه به طور عینی به نظام تحصیلی بنگریم به سهولت در می‌یابیم که این نظام، نظامی حذفی است. عمل حذف (فرزندان ما) هرچه از طبقات مرفه اجتماعی دور و به طبقات محروم نزدیک می‌شویم شدت بیش‌تری پیدا می‌کند و کامل‌تر می‌شود (کتبی، ۱۳۸۵: ۱۵). در آن زمان فرض بر این بود که نظام مدرن و متمرکز آموزش دولتی به منظور تأمین فرصت‌های برابر برای تمام طبقات طراحی شده و استعداد و هوش ذاتی که افراد به ارث برده‌اند، مبنای کسب موقعیت‌های اجتماعی است؛ اما این فرضیه به سختی می‌توانست نتایج بررسی‌های بوردیو و پاسرون در سال ۱۹۶۴ را تبیین نماید. مفهوم سرمایه فرهنگی در اواخر دهه ۱۹۶۰ توسط بوردیو و همکارانش ارائه و صورت‌بندی شد. مقصود از ارائه این مفهوم آن بود که اولاً روشی را که بدان وسیله مزایای ناشی از ولادت و ثروت خانوادگی فرد به منزلت تبدیل می‌شود از طریق جایگزینی معرف‌های قدرت اجتماعی با نظام خودمختاری از ارزش‌های هنری و زیبایی‌شناسانه توضیح دهد و ثانیاً مکانیسمی را که بدان وسیله الگوهای مزیت اجتماعی از طریق نظام آموزشی بازتولید می‌شود شفاف سازد (ایمیسون، ۲۰۱۷: ۲۳۹).

وی در کتاب «قواعد هنر؛ تکوین و ساختار میدان ادبی» به بررسی جایگاه سرمایه فرهنگی در میدان ادبی می‌پردازد (کتبی، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۵). همچنین در کتاب «تشخص، نقد اجتماعی داوری» که در سال ۱۹۷۹ به نگارش درآورد و موجب شهرت او شد، از سرمایه فرهنگی به‌عنوان یکی از متغیرهای اصلی برای تبیین موضع افراد در میدانی غیر از میدان آموزشی یعنی میدان فعالیت هنری بهره می‌گیرد و ارتباط این مفهوم با مفاهیم کلیدی دیگر اندیشه خود یعنی خصلت و میدان را مشخص می‌کند و با استفاده از آن اقتصاد اعمال، سبک‌های زندگی و زندگی طبقاتی در جامعه فرانسه دهه ۱۹۷۰ را تبیین می‌کند. سرانجام وی با نگارش کتاب اشرافیت دولتی در سال ۱۳۸۹ به نقش مدارس عالی فرانسه در تضمین کسب سرمایه

فرهنگی و اجتماعی لازم برای کسب مدارج بالای سیاسی و اجتماعی می‌پردازد. خدمت اصلی بوردیو در قشر بندی فرهنگی است وی معتقد است که سرمایه فرهنگی در درون یک فضای اجتماعی توزیع شده است و به صورت فرهنگ سرمایه گذاری می‌شود. بوردیو تأکید می‌کند که رابطه دیالکتیکی بین ساختار و عامل، ایجاد کننده عملکرد است و تلاش می‌کند نحوه ادراک و ساخت جهان اجتماعی از سوی افراد را بر مبنای جایگاهشان در فضای اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. از نظر ریتزر اصلی ترین مفاهیم مورد نظر بوردیو ساختمان ذهنی و زمینه و رابطه دیالکتیکی بین آنهاست. به شناختی که افراد از طریق آنها با جهان اجتماعی برخورد می‌کنند، ساختار ذهنی می‌گویند. انسان‌ها جهان اجتماعی خود را با یک رشته از طرح‌های ملکه شده در ذهن، ادراک فهم و ارزیابی و ارزش گذاری می‌نمایند. از طریق همین طرح‌های ذهنی است که انسان‌ها عمل می‌کنند. ساختمان ذهنی همانند ساختار اجتماعی تجسم یافته در ذهن است (ریتزر^۱، ۱۳۷۷: ۷۲۱) زمینه شبکه‌ای از روابط است که میان جایگاه‌های عینی درون زمینه وجود دارد. این روابط جدا از آگاهی و اراده فردی وجود دارند. این روابط کنش‌های متقابل یا پیوندهای بین ذهنی افراد نیستند. اشغال‌کنندگان جایگاه‌های این شبکه، هم انسان‌ها هستند و هم نهادهای اجتماعی. زمینه همانند بازار رقابتی است که در آن انواع سرمایه‌ها از قبیل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین سرمایه گذاری می‌شوند و جایگاه‌های عوامل گوناگون درون یک زمینه را مقدار و اهمیت نسبی سرمایه‌ای که این عوامل دارند تعیین می‌کند.

سرمایه است که به افراد اجازه می‌دهد سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت بگیرند. از دیدگاه بوردیو نظام آموزشی، یک فرهنگ خاص را به مردم تحمیل می‌کند و از طریق تلقین و تکرار آن را به صورت فرهنگ ملی با دارا بودن مشروعیت در جامعه به وجود می‌آورند و از طریق تاریخ، ادبیات پایه این دنیایی واقعی را در جامعه ایجاد می‌کند و لذا سرمایه کلی و وزن نسبی سرمایه افراد منشأ تفاوت در سلیقه‌ها و به طبع آن منشأ تفاوت در موضع‌گیری‌ها است. به طور دیگر فضای موضع‌های اجتماعی از طریق فضای امکانات منجر



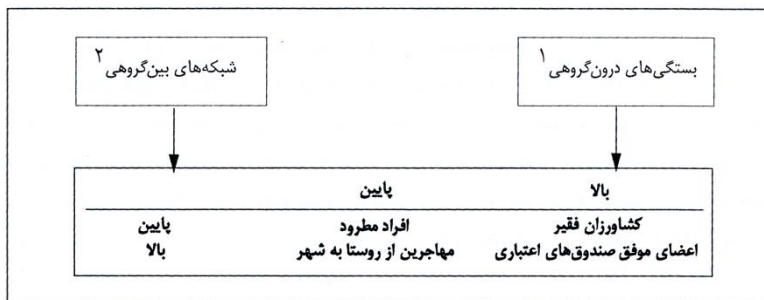
به عادات واره به فضای موضع گیری‌ها تعبیر می‌گردد. یکی از کارکردهای عادات واره این است که از وحدت اسلوبی که اعمال و اموال یک عامل اجتماعی منفرد و با یک طبقه از عاملان را یکسان می‌کند خبر می‌دهد. عادت واره‌ها اصول گوناگون تفاوت گذاری را ایجاد می‌کنند و اصول مشترک تفاوت گذاری را به صورت متفاوت مورد استفاده قرار می‌دهند. دیدگاه بورديو آن است که موقعیت افراد با توجه به دسترسی آن‌ها به سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعیین می‌گردد. لذا تمایلات و گرایش‌های رفتاری افراد ناشی از موقعیتی است که در روابط اجتماعی دارند چرا که جایگاه در روابط اجتماعی نوعی عادت خاص را شکل می‌دهد که عملکرد را متأثر می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۲۲).

۱-۴. سرمایه اجتماعی از نظر ولکاک و نارایان^۱

این دو به رابطه شبکه‌ها و تأثیر آن‌ها بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند. علاوه بر ذکر دیدگاه‌های نظریه پردازان شبکه‌ای در حوزه مطالعات سرمایه اجتماعی که افرادی مانند پارت، مسی، پورتس را شامل می‌شود، اکثر نظریه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی آن را مانند شمشیر دو لبه می‌دانند که از دو بُعد تشکیل شده و همزمانی این دو را باعث ایجاد و توسعه دیده‌اند و ولکاک و نارایان در کنار این نوع همبستگی به نوع دیگری از همبستگی یعنی همبستگی بین گروهی اشاره می‌کنند که این نوع از همبستگی به ارتباط بین گروه‌ها برمی‌گردد. ایشان مثالی از صندوق مالی برای پرداخت وام به اعضا می‌آورد (A) و می‌گویند در ابتدا این امر باعث می‌شود که افراد بتوانند از امکانات صندوق استفاده کنند و سطح بازدهی در بین اعضا افزایش می‌یابد (B) لیکن از آنجاکه امکانات صندوق محدود است با افزایش نسل بعدی جمعیت، سهم اعضای اولیه اندک‌اندک کاهش می‌یابد که از چنین شرایطی افراد فقیر خود را از جامعه خود به سمت کسب امکانات بیشتر جدا کرده و سعی می‌کنند از طریق ارتباط با سایر گروه‌ها خود را به فرصت اقتصادی بهتری مرتبط سازند (E) و مهاجرت از روستا به شهرها نمونه بارزی از این حرکت است (ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۳: ۵۴).

بنابراین سرمایه اجتماعی در بُعد درون گروهی از یک جهت دارای نقاط مثبت و ارزنده‌ای است که باعث رشد و ارتقای گروه می‌شود؛ اما از طرفی دیگر محدود ماندن به ارتباطات تنگ درون گروهی باعث می‌شود که از یک طرف خلاقیت، نوآوری و هرگونه کارآفرینی کاهش یابد و از طریق استفاده از جنبه‌های مثبت این ظرفیت با هدایت سرمایه اجتماعی درون گروهی و اتصال آن‌ها از طریق نهادهای رسمی گونه دوم سرمایه اجتماعی، یعنی سرمایه اجتماعی بین گروهی را افزایش داده و می‌توان زمینه رشد و توسعه منطقه را فراهم نمود (ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۳: ۵۶).

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۴



نمودار شماره ۱. ابعاد سرمایه اجتماعی در سطح اجتماعی (ولکاک و نارایان)

۱-۵. سرمایه اجتماعی از نظر رابرت پوتنام^۱

پوتنام از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. او مفهوم سرمایه اجتماعی را در مقیاسی متفاوت از سایر نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی به کار می‌برد، اگرچه تعریف او از مفهوم سرمایه اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر کلمن است. از نظر پوتنام سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای منفعت متقابل تسهیل می‌کند. به نظر او سرمایه اجتماعی به خصوصیات از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها،

1. Robert Putnam



هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع را تسهیل می‌نماید. پوتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوعی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراسی و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه‌مند است. پوتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی در قالب و شکل هنجارهای معامله متقابل تعمیم یافته در یک اجتماع، باعث افزایش کارایی بیشتر نسبت به مبادله پایاپای دارد و اگر دو طرف معامله به کالاهای یکدیگر نیاز نداشته باشند از طریق پول به‌عنوان واسطه عمل می‌نمایند و حجم مبادلات به مراتب بیشتر می‌شود. اعتماد نیز همانند پول در زندگی عمل نموده و تعامل فراوان در بین مردم گوناگون باعث ایجاد هنجار معامله متقابل تعمیم یافته گردیده و مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی باعث ایجاد تعهد متقابل و مسئولیت‌پذیری در انجام دادن اعمال و رفتار می‌گردد. سرمایه اجتماعی واجد هر دو بُعد فردی و جمعی بوده و قبل از هر چیز افرادی را بهره‌مند می‌سازد که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند (فیروز آبادی، ۱۳۸۴: ۶۵-۱۵).

از نظر پوتنام سرمایه اجتماعی هم کالای خصوصی و هم کالای عمومی است. گرچه مطالعات پوتنام در سطح کلان بوده، اما او بر آثار و مزیت‌های سرمایه اجتماعی در سطح فردی و خرد تأکید دارد، پیدا کردن شغل، دستیابی به امتیازات و ترفیع شغلی، برخورداری از وام‌ها و پاداش‌ها در گروه‌های گوناگون قومی، مهاجران و ... را ناشی از گسترش شبکه‌های اجتماعی خرد می‌داند که حتی در مواقعی مؤثرتر از سرمایه اجتماعی انسانی و مادی به شمار می‌رود. پوتنام معتقد است که گرچه سرمایه اجتماعی درون گروهی در گروه‌های مختلف قومی، جنسی، طبقاتی و ... ممکن است باعث شکل‌گیری خودهای انحصاری و تنگ‌نظرانه شود، اما سرمایه اجتماعی بین گروهی باعث اتصال افراد غیرمشابه از بخش‌های گوناگون جامعه با هویت‌های باز و خالی از تعصب به یکدیگر می‌گردد و اگرچه این دو نوع سرمایه بسیار مهم هستند، اما جایگزین یکدیگر نبوده و در جامعه از هم جدا نیستند بلکه با آمیزه‌ای از آن‌ها در گروه‌های اجتماعی روبرو هستیم و از کم و زیاد شدن این دو می‌توان بحث کرد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق به روش کیفی با رویکرد به مصاحبه متمرکز و بهره‌گیری از اسناد و مدارک مرتبط انجام شده است. با توجه به روش تحقیق، اطلاعات مورد نیاز تحقیق در بخش کتابخانه‌ای با مراجعه به منابع و مأخذ علمی شامل کتب، مجله‌ها و نشریات ادواری موجود در کتابخانه‌ها، اسناد و نشریات و پایگاه‌های اینترنتی حاوی تحقیقات و مقالات علمی معتبر و پایان‌نامه‌ها و در بخش کیفی با مصاحبه متمرکز گردآوری شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار فیش و تکنیک فیش‌برداری و پرسش‌نامه استفاده شده است. در مرحله فیش‌برداری از تکنیک مأخذگذاری به روش علمی و مستندسازی استفاده گردیده است. با توجه به نوع تحقیق و روش آن، جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق به وسیله اسناد و مدارک دست اول با فیش‌برداری و بهره‌گیری از درگاه‌های اینترنتی معتبر بوده است. همچنین محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل موجود پرداخته و از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری و پیشینه تحقیق و دسته‌بندی و مقوله‌بندی اطلاعات و با توجه به اطلاعات گردآوری شده به تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری از آن‌ها پرداخته است.

۳. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

۳-۱. تحلیل نظری

در این تحقیق از نظریه‌های متعددی در حوزه سرمایه اجتماعی و فرهنگی و همچنین تعاملات اجتماعی در مبنای نظری تحقیق بیان گردیده است که به مهم‌ترین نظریه‌های شاخص سازی متغیرها و تدوین چهارچوب نظری اشاره می‌گردد.

در حوزه سرمایه فرهنگی از نظریه‌ها بوردیو، کالینز و نیجک، ماچاب و تراسبی استفاده شده است. به زعم بوردیو سرمایه فرهنگی دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است، یعنی شامل گرایش‌ها و عاداتی است که در طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و شامل کالاهای فرهنگی، مهارت‌ها و انواع دانش مشروعه است. سرمایه فرهنگی همان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی است که تحصیلات یکی از اساسی‌ترین شاخص‌های آن است. براساس



مطالعات نظری صورت گرفته، ابعاد گوناگون دیگری مانند معلومات درونی شده، سرمایه عینیت یافته و میراث فرهنگی به شکل اموال از دیگر شاخص‌های آن است که متناسب با آن‌ها، گویه‌های مربوطه طراحی گردید. بوردیو از کارکردهای سرمایه فرهنگی به حفظ و نگه‌داری موقعیت و یا موقعیت افراد در سلسله‌مراتب ساختار اجتماعی و برتری یافتن به دیگران اشاره می‌کند و تأثیر سرمایه فرهنگی افراد در سبک زندگی آن‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه شکل می‌تواند وجود داشته باشد که عبارتند از: حالت «سرمایه فرهنگی درونی شده» به معنای رغبت‌های پایدار ذهنی و جسمی، حالت «سرمایه فرهنگی عینیت یافته» به شکل کالاهای فرهنگی نظیر تصاویر، کتاب‌ها، لغتنامه‌ها، ابزارها و ماشین‌آلات و ... و حالت «سرمایه فرهنگی نهادینه شده» در قالب مدارک تحصیلی و نظایر آن. کالینز سرمایه فرهنگی را منابع بی‌نظیر اندوخته شده در حافظه، شیوه‌های زبانی، انواع دانش‌ها و مهارت‌های خاص، قدرت تصمیم‌گیری، توانایی کسب احترام، تعریف می‌کند. وی سرمایه فرهنگی را به سرمایه فرهنگی عام (تعمیم یافته) و سرمایه فرهنگی خاص تقسیم می‌کند. سرمایه فرهنگی عام معادل نمادهای غیرشخصی و بیانگر منابع فرهنگی عموم طبقات و گروه‌ها در جامعه است. سرمایه فرهنگی خاص، مربوط به اندوخته‌های ذهنی افراد است و در هویت‌های فردی و شخصی تبلور یافته است.

و نیجک سرمایه فرهنگی را سلیقه‌ها، شیوه‌ها، رسم‌های خوب و پسندیده، توانایی‌های شناختی و توانایی پذیرش و فهم محصولات فرهنگی مشروع مانند موسیقی کلاسیک، تئاتر و ادبیات می‌داند. او پرورش خانوادگی، آموزش رسمی، فرهنگ شغلی را به‌عنوان منابع شکل‌گیری سرمایه فرهنگی افراد معرفی می‌کند و برخوردار از دانش موسیقی را نوعی سرمایه فرهنگی می‌داند رسیدن به هر شکلی از سرمایه فرهنگی موسیقی، بسط هر نوع دانش از سنت‌های موسیقایی برگزیده و تاریخ آن‌ها و آشنایی با نوازندگان مرتبط به آن را شامل می‌شود. ماچاب سرمایه‌های فکری و آموزشی را به تحقیق و توسعه، ارتباطات رسانه‌ای، سرمایه آموزشی و تحصیلات، اطلاعات و خدمات ماشینی تقسیم می‌کند و سرمایه فرهنگی می‌نامند. از نظر وی آموزش‌های مختلف در خانه، کلیسا، مدارس و مراکز تربیت معلم شغلی

نوعی سرمایه است. دیوید تراسبی نیز سرمایه فرهنگی را مجسم کننده و ذخیره کننده یا تأمین کننده ارزش های فرهنگی تعریف کرده و آن را به دو نوع ملموس و ناملموس تقسیم می نماید از نظر وی سرمایه فرهنگی شامل شکل بناها، محله ها، معماری، آثار هنری است که در قالب میراث فرهنگی تعریف می شود. این نوع سرمایه فرهنگی همانند سرمایه فیزیکی است؛ اما ارزش فرهنگی دارد سرمایه ناملموس به صورت معنوی، به شکل ایده ها، عقاید و ارزش هایی است که در یک گروه مشترک هستند. این نوع سرمایه فرهنگی با مفهوم فرهنگ سازگاری بیشتری دارد و آثار هنری مانند موسیقی، ادبیات، آداب و رسوم فرهنگی، عقاید و زبان جزو این نوع سرمایه فرهنگی است. از نظر تراسبی ساختمان های هنری، سالن های کنسرت، موزه های هنری، مراکز فرهنگی ورزشی، مکان های تاریخی نیز در کاربرد عامیانه سرمایه فرهنگی نامیده می شود. از نظر وی سرمایه فرهنگی حاصل فعالیت های خلاقانه بشر است، حفظ زیست بوم های فرهنگی باعث حفظ حیات فرهنگی و بقای تمدن بشری است، سرمایه فرهنگی دارای ویژگی تکثر و تنوع است. آثار اصیل هنری به عنوان سرمایه فرهنگی از یکدیگر متمایزند.

«در حوزه سرمایه اجتماعی نیز از نظریه های پوتنام، جیمز کلمن، اوا کاکس و لکاک و نارایان و فوکویاما استفاده شده است».

رابرت پوتنام، سرمایه اجتماعی «به ارزش جمعی همه شبکه های اجتماعی و تمایلات ناشی از این شبکه ها برای کمک به یکدیگر اشاره دارد». بر اساس نظر او و پیروانش، سرمایه اجتماعی عنصری کلیدی در بنا و برقراری دموکراسی است. جیمز کلمن، بر خلاف بوردیو، برای تعریف سرمایه اجتماعی، از نقش و کاربرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی (و نه صرفاً ذهنی و نظری) از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی عبارت است از: ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منبعی در اختیار اعضا قرار می گیرد تا بتوانند به اهداف و منافع خود دست پیدا کنند. بنابراین، کلمن بر خلاف بوردیو - که «سرمایه اقتصادی» را به عنوان هدف نهایی در نظر گرفته بود - «سرمایه انسانی» را مهم تر دانسته و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار برد. پوتنام



نیز یکی دیگر از محققین اخیر سرمایه اجتماعی است که سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع می‌شود و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. او سرمایه اجتماعی را به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی، در نظام‌های مختلف سیاسی می‌داند و تأکید عمده وی بر مفهوم اعتماد بود. او کاکس نیز در تعریف سرمایه اجتماعی گفت که این مفهوم به «فرایندهای بین فردی، که اعتماد و هنجارهای اجتماعی و شبکه روابط را می‌سازند و همکاری و هماهنگی متقابل را تسهیل می‌کنند» مربوط می‌شود که در نتیجه آن، منافع متقابل، افزایش می‌یابد. از نظر وی سرمایه اجتماعی قابل اندازه‌گیری است و منزلت اجتماعی سایر سرمایه‌ها را نیز در بردارد و در نهایت، فوکویاما، سرمایه اجتماعی را یک هنجار اجتماعی محسوب می‌کند که همکاری بین دو یا چند نفر را تقویت می‌بخشد و آن را ویژگی عمل متقابل بین دو دوست می‌داند. او معتقد است که اعتماد، شبکه‌های ارتباطی و جامعه مدنی، همگی محصول سرمایه اجتماعی هستند، نه اینکه خود آن‌ها سرمایه اجتماعی به حساب آیند. از نظر او هنجارهایی سرمایه اجتماعی هستند که به همکاری در گروه‌ها منجر شوند. مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی از منظر این نظریه پردازان عبارتند از: آگاهی، اعتماد و همکاری متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی، آگاهی عمومی، مسئولیت اجتماعی، دین و ایدئولوژی، تحزب و مشارکت سیاسی، تشریک مساعی.

ولکاک و نارایان به رابطه شبکه‌ها و تأثیر آن‌ها بر سرمایه اجتماعی پرداخته‌اند و ولکاک و نارایان به نوع دیگری از همبستگی یعنی همبستگی بین گروهی اشاره می‌کنند که این نوع از همبستگی به ارتباط بین گروه‌ها برمی‌گردد. بنابراین سرمایه اجتماعی در بُعد درون گروهی از یک جهت دارای نقاط مثبت و ارزنده‌ای است که باعث رشد و ارتقای گروه می‌شود. اما از طرفی دیگر محدود ماندن به ارتباطات تنگ درون گروهی باعث می‌شود که از یک طرف خلاقیت، نوآوری و هرگونه کارآفرینی کاهش یابد. اما از طریق استفاده از جنبه‌های مثبت این ظرفیت با هدایت سرمایه اجتماعی درون گروهی و اتصال آن‌ها از طریق نهادهای رسمی گونه دوم سرمایه اجتماعی، یعنی سرمایه اجتماعی بین گروهی را افزایش داده و شرایط و

زمینه رشد و توسعه منطقه را فراهم نمود. همچنین پوتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوعی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراسی و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه‌مند است. پوتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی در قالب و شکل هنجارهای معامله متقابل تعمیم یافته در یک اجتماع، باعث افزایش کارایی بیشتر نسبت به مبادله پایاپای می‌شود و اگر دو طرف معامله به کالاهای یکدیگر نیاز نداشته باشند از طریق پول به‌عنوان واسطه عمل می‌نمایند و حجم مبادلات به مراتب بیشتر می‌شود. اعتماد نیز همانند پول در زندگی عمل نموده و تعامل فراوان در بین مردم گوناگون باعث ایجاد هنجار معامله متقابل تعمیم یافته گردیده و مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی باعث ایجاد تعهد متقابل و مسئولیت‌پذیری در انجام دادن اعمال و رفتار می‌گردد. سرمایه اجتماعی واجد هر دو بُعد فردی و جمعی بوده و قبل از هر چیز افرادی را بهره‌مند می‌سازد که سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند. پوتنام در آثار متعدد خود سه مؤلفه، به‌عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که عبارتند از شبکه‌ها، هنجارهای همیاری و اعتماد.

کلمن نیز سرمایه اجتماعی را ذات واحدی نمی‌داند بلکه مجموعه‌ای از ذات‌های گوناگون می‌داند که دو عنصر مشترک دارد. اولاً همه عناصر مشتمل بر جنبه‌ای از ساختارهای اجتماعی‌اند؛ ثانیاً برخی کنش‌های خاص کنشگران اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی را در داخل محدوده ساختار تسهیل می‌کنند. از دیدگاه کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده آن است که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به‌عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل نماید. کلمن وجود سرمایه اجتماعی را در اعتماد، اطلاع‌رسانی و ضمانت اجرایی کارآمد، روابط اقتدار و میزان تکلیف در گروه می‌داند. به اعتقاد او سرمایه اجتماعی می‌تواند به سه شکل ظاهر شود: اول، تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابلیت اعتماد به محیط اجتماعی دارد. دوم، ظرفیت اطلاعاتی برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم نمود و سوم وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی مؤثر باشد. همچنین مباحث و مطالعات فوکویاما پیرامون سرمایه اجتماعی در سطح کلان دنبال



شده است. او سرمایه اجتماعی را در سطح کشور و ارتباط با رشد توسعه اقتصادی آنها مورد بررسی قرار داده است. از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموس از یک هنجار غیر رسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند نفر می‌شود. هنجارهای تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی می‌توان از هنجار روابط متقابل دو دوست گرفته تا آموزه‌های پیچیده‌ای را در برگیرند. همچون مسیحیت یا آیین کنفوسیوسی. این هنجارها باید در روابط بالفعل آدمیان به طور عینی مصداق بیابند. هنجار روابط متقابل به طور بالقوه در روابطی که با هم هست وجود دارد ولی فقط در رابطه با دوستانمان است که از قوه به فعل درمی‌آید.

۲-۳. تحلیل مصاحبه‌ها

جدول ۱: استخراج کدها

| کد انتخابی | کد محوری (مؤلفه‌ها) | ردیف |
|----------------|---------------------------|------|
| سرمایه اجتماعی | مشارکت اجتماعی | ۱ |
| | اعتماد اجتماعی | ۲ |
| | انسجام اجتماعی | ۳ |
| | روابط متقابل اجتماعی | ۴ |
| سرمایه فرهنگی | سرمایه فرهنگی نهادینه شده | ۵ |
| | سرمایه فرهنگی عینیت یافته | ۶ |
| | سرمایه فرهنگی تجسم یافته | ۷ |

جدول ۲: استخراج کدهای باز، محوری و انتخابی

| کد انتخابی | کد محوری | کدهای باز |
|----------------|----------------|------------------------------|
| سرمایه اجتماعی | مشارکت اجتماعی | مشارکت رسمی |
| | | مشارکت غیر رسمی |
| | اعتماد اجتماعی | اعتماد به افراد |
| | | اعتماد به نهادها و سازمان‌ها |

| کد انتخابی | کد محوری | کدهای باز |
|---------------|---------------------------|---------------------------------|
| | انسجام اجتماعی | انسجام اجتماعی درونی |
| | | انسجام اجتماعی بیرونی |
| | روابط متقابل اجتماعی | روابط متقابل اجتماعی درون گروهی |
| | | روابط متقابل اجتماعی برون گروهی |
| سرمایه فرهنگی | سرمایه فرهنگی نهادینه شده | سطح تحصیلی |
| | | دانش فرهنگی |
| | | آشنایی با آداب و رسوم اقوام |
| | سرمایه فرهنگی عینیت یافته | مصرف کالاهای فرهنگی |
| | | تملک کالاهای فرهنگی |
| | | علاقه‌مندی به هنر |
| | سرمایه فرهنگی تجسم یافته | مهارت‌های ذهنی فرهنگی |
| | | مهارت‌های کلامی فرهنگی |

نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف تحلیل جامعه‌شناختی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی بر تعاملات خانواده (با رویکرد به خشونت همسران) انجام پذیرفت. می‌توان گفت تعاملات اجتماعی در نهاد خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی در دنیای امروز دستخوش تغییرات زیادی شده و عوامل زیادی بر آن تأثیرگذارند که یکی از این عوامل سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی به زعم نظریه‌پردازان است.

در خصوص سرمایه فرهنگی از دیدگاه بوردیو، سرمایه فرهنگی به‌عنوان یک رابطه اجتماعی درون سازواره‌ای از تعاملات که مشتمل بر دانش فرهنگی انباشته عمل می‌کند، منتهی به قدرت و منزلت می‌گردد. بوردیو سه نوع سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادی را از همدیگر متمایز می‌کند. همچنین در تعریف سرمایه اجتماعی از نظر جیمز کلمن، سرمایه اجتماعی یک منبع خنثی است که هر نوع عملی را تسهیل می‌کند، اما اینکه جامعه از آن نفع می‌برد یا خیر کاملاً وابسته به کاربرد آن در یک موقعیت خاص است که با



احصای دقیق و علمی نقش سرمایه فرهنگی و اجتماعی مردان بر تعاملات اجتماعی اعضای خانواده (با رویکرد به خشونت همسران) می‌توان نتایج را در اختیار برنامه‌ریزان و مسئولین در نهادهای مختلف در کشور قرار داد و برنامه‌ریزی دقیق و مدونی را برای افزایش تعاملات اجتماعی اعضای خانواده در خانواده‌ها انجام داد. در نتیجه نهایی پژوهش مشخص گردد که میزان سرمایه اجتماعی و فرهنگی در بین مردان در کشور در حد متوسطی بوده که منبعت از شرایط کلی جامعه در این زمینه است. در نهایت می‌توان براساس یافته‌های پژوهش گفت سرمایه فرهنگی و اجتماعی مردان بر تعاملات اجتماعی اعضای خانواده در شهر تهران (با رویکرد به خشونت همسران) تأثیرگذار است که این تأثیر به شکل مستقیمی بوده با افزایش میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی میزان تعاملات اجتماعی اعضای خانواده افزایش و خشونت همسران نیز کاهش می‌یابد

فهرست منابع

- آبوت، پ و کلر (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- ارجمندسیاه‌پوش، عجم‌دشتی‌نژاد (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر تعاملات در شهر اهواز، مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال ۱، شماره ۳.
- اعزازی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- اعزازی (۱۳۸۳). تعاملات خانوادگی، تهران: نشر سالی.
- آقابیکلویی، آقاخانی (۱۳۸۳). بررسی پدیده همسرآزاری در شهر تهران سال ۱۳۷۹، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی، تهران: انتشارات آگاه.
- باندورا (۱۳۷۲). نظریه‌های یادگیری، ترجمه: فرهاد ماهر، شیراز: نشر راهگشا.
- بستان (۱۳۸۲). نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، ناشر: پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- چلبی (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- حضوری (۱۳۸۵). بررسی وضعیت زنان خشونت دیده قبل و بعد از طرح شکایت در کلانتری، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال ۳، شماره ۸ و ۹.
- خادیمیان، طلیعه (۱۳۹۰). سبک زندگی و مصرف فرهنگی: مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان، تهران: انتشارات جهان کتاب.
- خلیلی (۱۳۸۱). مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای اجتماعی یا موضوع امنیت ملی، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۵، شماره ۲.
- درخشان‌پور، محبوبی و کشاورزی (۱۳۹۳). شیوع تعاملات خانگی در بندرعباس، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، سال ۱۶، شماره ۱ (۴۹).
- رأس (۱۳۷۵). روان‌شناسی شخصیت، ترجمه: سیاوش جمال‌فر، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- روی (۱۳۷۷). زنان کتک‌خورده: روان‌شناسی خشونت در خانواده، ترجمه: مهدی قراچه داغی، چاپ اول، تهران: نشر علمی.
- ریتزر (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم.



- ساروخانی و نویدنیا (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۲۲.
- ساروخانی (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.
- شیخی، کمالی، جهان‌آرای (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی در میان مادران کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر شهرستان اسلام‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.
- صدقاتی‌فرد، پیرخانفی، قاسمی (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده (با تأکید بر نقش نظام اقتداری در خانواده)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، رشته جامعه‌شناسی.
- ضمیران (۱۳۸۷). میشل فوکو، دانش و قدرت، تهران: نشر هرمن.
- طاهری (۱۳۹۱). بررسی میزان و کیفیت خشونت فیزیکی علیه در خانواده، شهرستان خدابنده، مجله زن و پژوهش (دفتر امور بانوان وزارت کشور)، ص ۶۹-۷۶.
- علیوردی‌نیا، ریاحی، اسفندیاری (۱۳۸۹). تبیین نگرش دانشجویان دختر نسبت به خشونت علیه زنان، آزمون تجربی دیدگاه یادگیری اجتماعی، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال ۱، شماره ۱.
- کاپلان (۱۳۷۹). خلاصه روان‌پزشکی، ترجمه: نصرت افکاری، جلد دوم، تهران: انتشارات شهراب.
- کلامی (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر در زن‌آزاری در یکصد مورد مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی تبریز، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علوم پزشکی تبریز
- گیدنز (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آتوننی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- مجمع عمومی ملل متحد، قطعنامه ۱۰۴/۴۸، مورخ ۲۳ فوریه (۱۹۹۳) اعلامیه لغو خشونت علیه زنان.

- محمدی و میرزایی (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان (مطالعه موردی شهرستان روانسر)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال ششم، شماره ۱.
- نازپرور (۱۳۷۶). بررسی موارد زن آزاری فیزیکی در مراکز پزشکی قانونی، رساله دکتری پزشکی قانونی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- نهاوندی (۱۳۸۶). پژوه کیفی در باب خشونت علیه زنان، مجموعه مقالات همایش زن و پژوهش، تهران: دانشگاه تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان.
- نوابی نژاد (۱۳۹۴). نشست تخصصی خشونت خانگی در پژوهشگاه علوم انسانی، خبرگزاری دانشجویان ایران، دسترسی به سایت ۱۷ آذرماه، ساعت ۱۲:۴۲
- یزدخواستی و شبیری (۱۳۸۷). ارزش های پدرسالاری و خشونت علیه زنان، فصلنامه مطالعات زنان، سال ۶، شماره ۳.



References

- American Psychological Association. (1996) "Violence and the Family: Report of the American Psychological Association Presidential Task Force on Violence and the Family P. 10. *Annals of Epidemiology*, 12(7): 525.
- Anderson CA Bushman, B.J. (2004) "Human aggression", *Annual Review of Psychology*, 53:27-51.
- Bandura, A. (1975) "Social Learning Theory", New York: General Learning Press.
- Blanca, M. & Bonnie, E. (2004) "Lifetime abuse and Mental Health Distress among English-Speaking Latinas". *Affilia* Fall, 19:239-256.
- Good, W.J. (1989) *The family*, second edition, Newdehi, Prentice hall of India.
- Good, W.J. (1971) "Force and Violence in the Family". *Journal of Marriage and Family*, 3(4): 29.
- Hoffman, K. L. Demo, D. H. Edward, J.N. (1994) "Physical Wife Abuse in Non- Western Society: An Integrated the Oretical Approach, *Journal of Marriage and the Family*, 56: 131-146.
- Kelmendi, K. (2015) "Domestic Violence Against Women in Kosovo. (Aqualitative Study of Women,s Experiences)", *Journal Interprers Violece*, 30(4): 680 -702.
- Kim, J. Y. Sehun, Oh. & Nam, S.I. (2009) "The Incidence and Impact of Family Violence on Mental Health among South Korean Women". *Korean Journal of Social Welfare*, 24:193-202.
- Krause, Kathleen, H. Robert, G. Vander end, K. & Yount, K. (2015) "Why Do Women Justify Violence against Wives More Often than Do Men in Vietnam?", *Journal Interpers Violence*, 6:3150-3173.
- Sheldon, J. P. & Parent, S.L. (2002) "Clergy Attituds and Attribution of Balm Toward Femal Rape Victims", *Violence Against Women*, 8:233-256.
- Song, H. & Gnawali, SH. & Atteraya, M. (2015) "Factors Associated with Intimate Partner Violence against Married Women in Nepal", *Journal Interpers Violence*, 30(7):1226- 1246.
- Swan, S. C. & Sullivan, T. P. (2009) "The Resource Utilozation of Women Whouse Violence Inintimate Relationship", *Journal of Interpersonal Violence*, 24:940-958.
- Vander Ende, K. E. Sibley, L. M. Cheong, Y. F. Naved, R. T. & Yount, K. M. (2015) "Community Economic Status and Intimate Partner Violence Against Women in Bangladesh Compositional or Contextual Effects?", *Violence Against Women*, 21(6): 679-699.
- Zavala, E. (2007) *Non physical intimate partner violence emotional abuse and controlling behavior against women*. M.A. Dissertation. Department of Sociology, Anthropology and Social Work. College of Art and Sciences. The University of Texas at E paso.
- Meri, E. (1981). "Crime Prevention Through Environmental Design in the United Arab Emirates: A Suitable Case for Reorientation? " *Built Environment*, Volume 39, Number 1, March 2013, pp. 92-113(22), Publisher: Alexandrine Press
- Newman, Oscar. (2016). *Creating Defensible Space*. u. s. Department of housing and urban development.
- Rapoport, A. (1984). *culture and the urban order*. A, jone. boston: Allen & unwin press.
- Russ T(2006), sowden A, Renton A: *Crime, fear of crime, environment, and mental health and wellbeing: mapping review of theories and causal pathways*. *Health place* 2012, 18: 757-765.
- Taylor, r. and gottfredson, s. and browner, s (1984) . *Block crime and fear*. *Journal of*

- Research in Crime and Delinquency.
- Timothy, C. and O'Shea. (2006). Physical deterioration, disorder, and crime. university of south alabama.
- Trancik, roger. (2012). finding lost space. new York: van nostrand reinhold.
- Wilson.S, Keeling. A. (1982.) crime prevention, urban space and social exclusion. Department of criminology. university of Melbourne.
- Winton, Ailsa (2004). Urban violence: a guide to the literature Environment and Urbanization.